

گرایشهای سیاسی، مذهبی ایلخانان بر اساس مسکوکات ایلخانی ۷۵۶-۶۵۱ هـ.ق

دکتر عباس سرافرازی*

چکیده

با روی کار آمدن ایلخانان در ایران، ایرانیان و دستگاه دیوانسالاری آنان دست‌اندرکار بازسازی سنت‌ها و روشهای گذشته شدند. سکه‌های دوره ایلخانی نشان دهنده تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی است که با بررسی آنها می‌توان به برخی از تحولات آن دوره پی برد.

این سکه‌ها، از سوی ایلخانانی چون غازان‌خان، اولجایتو و ابوسعید در میانه سالهای ۶۹۶/۱۲۹۶ و ۷۳۷/۱۳۳۶ ضرب شده‌اند. برخی از آنها، شاهکارهایی از خطوط منقور هستند که پیام سکه‌های اسلامی دارند. مغولان دارای تسامح و تساهل مذهبی بودند و این امر در مورد سکه‌های آنان نیز آشکار است. اولین حاکمان مغول با اینکه دارای مذهب دیگری بودند، اما نقوش اسلامی در سکه‌های آنان وجود دارد. برای مثال، هولاکو مذهب بودایی داشت و همسرانش مسیحی بودند، اما در سکه‌هایش شعارهای اسلامی وجود دارد. از زمان تشکیل حکومت ایلخانان، با اینکه برخی از آنان اسلام آوردند و پیام‌های اسلامی در سکه‌ها وارد شد، اما نام و القاب ایغوری نیز بر سکه‌ها نقر می‌شد. از زمان سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) به خاطر تغییر مذهب وی از تسنن به تشیع، سکه‌ها دارای عبارات شیعی بخصوص علی ولی‌الله و نام دوازده امام شد. این عبارات، از سال ۷۱۰ هجری در سکه‌ها رسمیت یافت و در نهایت، در دوره همین ایلخان نامه‌های خلفای راشدین برای اولین بار در سکه‌های مغولان نمایان شد. اطلاعات استخراج شده از روی سکه‌ها، نشان می‌دهد در ابتدا ایلخانان تعصبی نداشتند و برخی علامتهای مربوط به مسیحیان، یهودیان و اوغورها در سکه‌های آنان وجود داشت. همچنین از خطوط فارسی، عربی و اوغوری استفاده می‌کردند، اما در اواخر حکومت ایلخانان گرایشهای سیاسی و مذهبی باعث ظهور و حذف برخی از شعارهای مذهبی گردید.

واژه‌های کلیدی

ایران، ایلخانان، مسکوکات، مذهب، سیاست

مقدمه

گرفتند و درصدد برآمدند تا ایران را که حال دیگر به عکس پیشینیان خود، آن را جزو قلمرو خود به حساب می‌آوردند، به حالت اولیه خود باز گردانند. به همین جهت، یکی از برنامه‌هایی که پیاده کردند، ضرب و انتشار مسکوکات بود. به این خاطر، دوره ایلخانان از نظر وفور سکه و کیفیت آنها معروف است و سکه‌های قابل توجهی از این دوره باقی است که متأسفانه مورد دقت نظر قرار نگرفته است.

بنابراین، دقت در سکه‌ها، اندازه، طرح، شکل و نقش، وزن و عیار، ارزش و نوع (طلا، نقره، مس) و غیره نشان دهنده وضعیت اقتصادی و گرایشهای سیاسی، مذهبی است و ضرورت پیدا می‌کند که در مورد سکه‌های این دوره مطالعه شود. سؤال مورد نظر آن است که بررسی سکه‌های دوره مغول حاکی از چه گرایش سیاسی و مذهبی در این دوره است؟ آیا سکه‌های ضرب شده در این عصر جهت‌گیری‌های خاص مذهبی را نشان می‌دهد و حاکی از قدرت‌گیری ادیان و مذاهب خاص و تضعیف برخی ادیان و مذاهب دیگر است؟ آیا می‌توان از خلال سکه‌های این دوره، به اهمیت یافتن عنصر ایرانی و رواج زبان فارسی پی برد؟ رواج شعارهای شیعی بر سکه‌های دوران ایلخانی نشان دهنده چه امری است؟

بررسی سکه‌های موجود نشان می‌دهد که مغولها بر روال سابق برخی از شعارهای اسلامی، از جمله آیات قرآن را در ابتدا در سکه‌های خود به کار می‌بردند و در آغاز با توجه به تسامح مذهبی که داشتند نشانه‌هایی از نفوذ مسیحیان و یهودیان در سکه‌های آنان مشهود بود، اما با اسلام آوردن ایلخانان کم‌کم شعارهای غیراسلامی حذف شد. از دوره سلطان محمد اولجایتو، شعارهای مذهبی شیعی و سنی در سکه‌ها پدیدار شد که حاکی از نفوذ شیعیان و اختلافات مذهبی است. در کنار آن،

امروزه، سکه‌شناسی در بیشتر نقاط جهان، مورد توجه مورخان واقع شده است، زیرا بررسی و تحقیق روی سکه‌ها، نشان دهنده انحطاط یا سیر تمدن و شکوفایی اقتصاد سرزمینی در دوران ضرب آن سکه به شمار می‌رود. به همین منظور، امروزه محققان بیش از پیش به ارزش و اهمیت واقعی این علم پی برده و در کارهای مطالعاتی از این اسناد گرانبها و اصیل بهره می‌برند. امروزه، سکه‌شناسی علمی است که مهارت و اطلاعات خاصی را طلب می‌کند و حاصل کار سکه‌شناس در اختیار مورخ برای تجزیه و تحلیل حوادث سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

سکه‌ها از جمله منابع مهم تاریخی و پرازش است که کمک بسیار زیادی به کشف بسیاری معضلات تاریخی می‌نماید. مورخ امروزی برای تحقیق درباره دوره یا دورانی که مورد نظر اوست علاقه‌مند است با کلیه وسایل ممکنه‌ای که او را به زمان مورد مطالعه‌اش نزدیک می‌نماید، ارتباط حاصل کرده، با دقت در آنها، مسایل پیچیده‌ای را که با تکیه بر منابع تاریخی نمی‌تواند باز کند، روشن نماید، چرا که برخی روایتهای تاریخی مبهم است یا مورخان در خصوص آنها متفق‌القول نبوده یا به اجمال نوشته‌اند.

یکی از وسایل تحقیق اوضاع گذشته و بررسی ارتقا و انحطاط ملت و کشوری از لحاظ سیر تمدن و هنر و شناسایی وضع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و مذهبی و حتی ارتباط با سایر ممالک که هر یک مبحثی جداگانه است، مطالعه سکه‌های آن زمان است.

سکه‌های ایلخانان ایران از نظر کمی و کیفی معروف هستند، حکام مغولی ایران از طریق وزرای ایرانی‌شان به اسلام گرویدند و به خاطر نابود کردن تمدنها مورد تحقیر آنها و اتباع مسلمان خود قرار

رواج واژه‌های فارسی در سکه‌ها نشان از قدرت‌گیری عنصر ایرانی و غلبه زبان فارسی در این دوره دارد.

اهمیت سکه‌شناسی در ایرن عهد مغول

دوران حکومت صد ساله ایلخانان مغول در ایران از (۶۵۴ هـ.ق) آغاز سلطنت هولاکوخان تا (۷۵۶ هـ.ق) آخر سلطنت انوشیروان، از لحاظ سکه و تنوع آن از نظر زبان، رسم‌الخط، تصاویر، تزیینات، شعایر، علایم و تمغا) پربرکت و پیچیده است. مخصوصاً بیست سال آخر (۷۳۶ تا ۷۵۶ هـ.ق) بعد از مرگ ابوسعید بهادرخان که دوره تجزیه حکومت و متصرفات ایلخانان و شروع ملوک‌الطوایفی و قدرت‌نمایی حکام و سلاطین محلی است، مشکلات سکه‌شناس را بیشتر از هر دوره‌ای می‌سازد، چون حکام و سلاطین محلی که هر کدام یک خان‌زاده یا شاهزاده مغولی را حمایت و به نام او سلطنت می‌کنند، از نقر نام خود بر سکه حذر می‌کنند. در نتیجه، سکه به نام خان مغول زده می‌شود (طباطبایی، سال نهم: ۱۷۹).

شاید بتوان گرایشهای سیاسی مغولها را در دوره فرمانروایی چنگیزخان و جانشینان وی تا تشکیل حکومت ایلخانی در ایران، از روی سکه‌های این دوره به درستی تشخیص داد. مغولها که نه فرهنگ و نه

تشکیلاتی مدون از نظر سیاسی و اداری داشتند؛ مجبور بودند دیوانسالاری مسلمانان را بپذیرند که در این میان، دیوانسالاران ایرانی از همان ابتدای استیلای مغول بر امور تسلط یافتند. مشاهده سکه‌های دوره چنگیز، حاکی از آن است که از سکه‌های رایج دوره خلفای عباسی تقلید شده و نفوذ معنوی مسلمانان در میان مغولها وجود داشته است، چرا که سکه‌ها با یک سری تغییراتی با همان روال ضرب می‌شد.

تفحص در سکه‌های چنگیزخان نشان‌دهنده گرایش سیاسی خاص نیست. در هم نقره باقی مانده به نام وی که در سال ۶۲۵ هجری ضرب شده است، با عبارت «العادل الاعظم چنگیزخان» است. از آنجایی که این سکه با خط عربی «العادل الاعظم» و نام فارسی «چنگیزخان» ضرب شده، می‌توان عنوان کرد که تحت تأثیر دیوانسالاری ایرانی قرار داشته است. با اینکه چنگیز در سال ۶۲۵ فوت نموده و این سکه پس از مرگ او ضرب شده است، متعلق به دوره او محسوب می‌شود، چون هنوز هیبت و نفوذ و احترام به وی باقی بود و تا بهار ۶۲۶ هجری که اوکنای، فرزندش به صورت رسمی جانشین پدر شد، در برخی ایالات سکه به نام چنگیز ضرب می‌شد.



سکه چنگیز خان مغول

اسلامی نقر گردیده که نشان دهنده تبعیت قوم بیابانگرد مغول از فرهنگ و تمدن و آداب و عقاید اسلامی است.

سکه‌هایی از دوران جانشینان بلافصل چنگیز؛ یعنی اوکنای قان، منگو و دیگران باقی مانده است. بر سکه‌های دوران هولاکو به بعد، آیات قرآنی و شعایر



سکه هولاکو خان مغول

سکه‌ها به تدریج تحت تاثیر فرهنگ مغول قرار گرفته و با اینکه بیشتر شاهان این دوره ظاهراً به اسلام مشرف شده و نام اسلامی برای خود انتخاب نموده بودند، ولی نام والقباب خود را با کلمات ایغوری نوشته‌اند. در برخی سکه‌ها فقط نام سلطان با حروف فارسی نوشته شده؛ آن هم برای شناخته شدن پادشاه جدید از فرمانروای قبلی. سلاطین این دوره عبارتند از: اباقا، احمد تگودار، ارغون، گیخاتو، بایدو و غازان محمود.

۳- از زمان سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) نام و القاب سلطان اغلب با کلمات و حروف فارسی نوشته شده است ... در این دوره شعایر شیعی در سکه‌های محمد خدابنده و پس از آن شهادتین و اسم خلفای راشدین ملاحظه می‌گردد. این گروه پادشاهان عبارتند از: محمد خدابنده، ابوسعید، ارپاگون، موسی، طغاتی‌مور و بقیه ایلخانان تحت حمایت سایر حکومت‌ها» (سرافراز، ۱۳۷۹: ۲۱۶)

تحولات سیاسی و مذهبی و سکه‌های اباقاخان: (۶۶۳ - ۶۸۰ هجری)

اباقاخان جانشین و فرزند هولاکوخان، مؤسس سلسله ایلخانی در ایران است. وی از سال ۶۶۳ تا ۶۸۰ هجری به مدت هفده سال حکومت کرد. عصر اباقاخان دوره

مشخصات روی سکه به عربی: لاله‌الله، محمد رسول‌الله، صلی‌الله علیه و سلم
مشخصات پشت سکه: قآن الاعظم مونگاقآن
هولاکوخان

استفاده از خطوط فارسی، عربی و ایغوری بر روی یک سکه در یک زمان و بر روی سکه‌های مغول و ایلخانی حاکی از تحولات فرهنگی آن زمان است. ذکر شعایر دینی ادیان مختلف بر روی سکه‌ها، عقاید و باورهای دینی سلاطین مغول را آشکار می‌سازد. به طور نسبی سه دوره متمایز فرهنگی در ضرب سکه‌های ایلخانان مغول به چشم می‌خورد:

۱- ایلخانان در آغاز حکومت بر سرزمین‌های مفتوحه، خصوصاً سرزمین‌های اسلامی، به علت غنای فرهنگ ایران اسلامی و برتری چشمگیر آن در مقایسه با فرهنگ بدوی قوم بیابانگرد مغول، ناچار بودند از شعایر و آداب و عقاید اسلامی تبعیت نمایند. در سکه‌های اولین ایلخان مغول؛ یعنی هولاکوخان نوه چنگیز، آیه: «قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء...» نوشته شده است، ولی در این زمان از فرهنگ و نوشته‌هایی به خط ایغوری اثری نیست.

۲- در دوره تسلط و تثبیت حکومت ایلخانان،

دقیقی مشخص نمود. ایلخانان نیز احتمالاً به تقلید از سلاجقه روم این نقش را حک نموده‌اند.

از دوران اباقاخان سکه‌هایی به خط و زبان فارسی با تصویر شیر و خورشید ضرب شد. این سکه‌ها شبیه سکه‌های غیاث‌الدین کیخسرو ثانی است و هیات کاملاً ایرانی دارد. به عنوان نمونه: در روی یک سکه تصویر شیر و خورشید قرار دارد و ستاره‌ای در سمت راست آن و ستاره دیگری در زیر تصویر نقر شده است. بالای تصویر شیر جملات لاله‌الله و محمد رسول‌الله نقر شده است و بالای دم شیر عبارت ضرب طوس دیده می‌شود. در پشت سکه نام و القاب اباقا به خط ایغوری و تزیینات ستاره‌ای به صورت ضربدر و دایره زنجیره‌ای مشهود است. سکه‌ای که شرح داده شد، از جنس نقره به وزن ۲/۷ گرم است. از این نوع سکه‌ها نمونه‌هایی در دست است. مسکوکاتی با تصویر شیر بدون خورشید نیز از این دوران یافته‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۳۷).

اینکه نقر شیر و خورشید به تبعیت از سکه‌های سلاجقه روم بوده است، با توجه به روابطی که اباقاخان با آسیای صغیر داشته است، می‌تواند صحیح باشد. علامت دیگری که بر روی سکه‌های اباقاخان وجود دارد، ستاره است، که در برخی از سکه‌های این ایلخان از جمله سکه یاد شده وجود دارد. در این سکه سه ستاره حک شده است. اشپولر معتقد است «ایلخانان گاه‌گاه بر روی سکه‌ها ستاره داود را به کار می‌بردند» (اشپولر، ۱۳۶۸: ۲۹۴).

اگر ستاره حک شده بر روی سکه‌های اباقاخان را از نوع ستاره‌های داود بر شماریم، حاکی از آن است که همراه جامعه مسیحی، یهودیان نیز در این زمان دارای قدرت و نفوذ بوده‌اند. با توجه به قدرت بیش از حدی که یهودیان پس از فوت اباقاخان در دوره سلطنت ارغون

رویاری با عناصر بیگانه است. در این زمان دو نیروی خطرناک بودایی چین و مسیحی اروپایی در ایران به رقابت توسعه‌طلبانه فرهنگی و مذهبی پرداخته بودند و ایرانیان موفق شدند با فعالیت‌های فرهنگی و دیوانی مغولان را رام سازند. این امر از سکه‌های دوره اباقاخان به خوبی محسوس است. اولین سکه‌ها دارای شعارهای تثلیث، ستاره داود، خط ایغوری و ... است، اما به تدریج سکه‌ها هویت ایرانی به خود می‌گیرد. شعارهای اسلامی پررنگ می‌شود و شعارها و علایم ادیان دیگر حذف می‌گردد.

در رابطه با سکه‌های دوره اباقاخان حک علامت شیر و خورشید بر روی سکه‌های این دوره حائز اهمیت است و علامت مذکور «بر روی سکه‌های غازان، اولجایتو و ابوسعید و همچنین سکه‌های سلجوقی و دشت قپچاق دیده می‌شود» (اشپولر، ۱۳۶۸: ۲۹۳).

در رابطه با نقش شیر بر روی پرچم و سکه‌های ایرانی نظرات مختلفی وجود دارد، اما گویا تنها قول صریحی که برای استعمال شیر و خورشید وجود دارد، روایت ابن‌العبری در تاریخ مختصر الدول است که آن را به غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی از سلاجقه روم نسبت می‌دهد. گرچه در این کتاب علت نقر تصویر شیر و خورشید به خاطر علاقه کیخسرو به زن زیاری گرجی، دختر پادشاه گرجستان ذکر شده است (مینوی، ۱۳۶۹: ۳۵۳).

اما به نظر می‌رسد شیر در نزد ایرانیان نشان هیبت و قدرت و غلبه بوده است و خورشید بر پشت آن نشان طلوع قدرت و از آنجا که خورشید، بزرگترین منبع حیات و نور و روشنایی بوده، قدرتمند جلوه‌گر می‌شده است و شاید بدان خاطر بوده که در حالت نجومی خورشید آسمان را سوار بر شیر تصور می‌کرده‌اند. به هر حال، نمی‌توان برای استفاده از این تصویر تاریخ

الموید نقش ستاره‌ای وجود دارد که به نظر می‌رسد تزیینی باشد (همو، ۱۳۷۳: ۴۵۹). در سکه‌های برخی از سلاطین سلجوقی ایران گل‌های ستاره‌ای پنج پر و هفت پر وجود دارد و «نقش ستاره شش پر در سکه‌های سلاجقه روم به صورت گسترده‌ای وجود داشته است» (همو، سال نهم: ۱۸۴). ممکن است ایلخانان با توجه به اینکه نقش شیر و خورشید را از سکه‌های سلجوقیان روم اقتباس کرده بودند، نقش ستاره را نیز اقتباس کرده باشند، اما در خصوص ستاره داود بودن این نقش باید با احتیاط سخن گفت.

گرفتند، می‌توان عنوان کرد در دوره اباخان نیز یهودیان فعال بوده‌اند. ستاره نقر شده بر روی سکه‌های مغولی بنا بر روایت اشپولر از نوع شش پر است (همان: ۱۳۶۸: ۲۹۴). منابع ایرانی نیز بر ستاره شش پر در سکه‌های اباخان اشاره دارند (طباطبایی، سال نهم: ۱۸۴).

اما این نظر صریح اشپولر را که این علامت ستاره داود است، نمی‌توان پذیرفت، چرا که نقر ستاره بر روی سکه‌ها قبل از ایلخانان نیز رواج داشته است. بررسی منابع سکه‌شناسی اسلامی نشان می‌دهد در دوران غزنویان بر سکه‌ای از ابراهیم ظهیرالدوله الملک



صلی الله علیه و سلم منقور بوده است. از جمله پیروان ادیان دیگری که در دوره اباخان اهمیت پیدا کردند، مسیحیان بودند که پس از سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هـ ق / ۱۲۵۸ م. قدرت آنها رو به افزایش گذاشته بود. «اباخان بدون شک بیشتر بودایی مذهب بود و مانند پدرش (هولاکو) با جامعه مسیحیت - ارمنی نستوری و یعقوبی - نظر موافق و مساعدی داشت.

«در داخل کشور خود با مسیحیان به طور کلی طرفدار سازش و اتحاد بود تا بتواند در خارج علیه ممالیک مصر و شام مقاومت ورزد، در همان سالی که به سلطنت رسید، با دسپینه مریم، دختر امپراتور بیزانس ازدواج نمود ...» (گروسه، ۱۳۶۸: ۵۹۹). وی دختر نامشروع میخائیل پالوگوس هشتم امپراتور بیزانس بود

روی این سکه تصویر شیری که به سمت چپ و به سوی یک ستاره شش پر روان است و تصویر متقارن یک عقاب که بال‌ها و پاهای آن در طرفین باز شده و عقاب دارای دو سر متقارن مجسم شده است» (همو، سال نهم: ۱۸۴). این سکه در سال ۶۷۹ هجری یک سال قبل از فوت اباخان ضرب شده است.

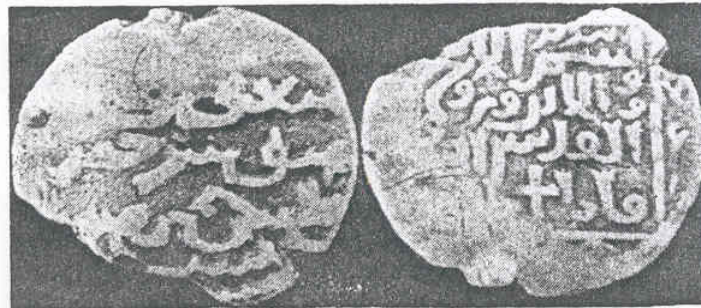
در روی سکه در یک نیم تاج: ضرب با رمینه سنه تسع و سبعین و ستمئه ۶۷۹

روی سکه: قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء

پشت سکه: قآن، الاعظم، اباقا ایلخان، المعظم
پشت سکه: لاله‌الاله، محمد رسول الله و در یک سوم باقیمانده سکه که خراب و از بین رفته است شاید

است و همچنین علامت صلیب وجود دارد. این سکه از جنس نقره است و ۲ گرم وزن دارد. پشت سکه به زبان و خط ایغوری حک شده است: خاقانوارا بام اباقاین دلد کگو لوکسین - سکه» (طباطبایی، سال نهم: ۱۸۱). ترجمه: سکه اباقآن خاقان بزرگ، در این سکه هیچ‌گونه علامت و شعار اسلامی وجود ندارد و تزیینات آن، صلیب، مربع، دایره و زنجیر است.

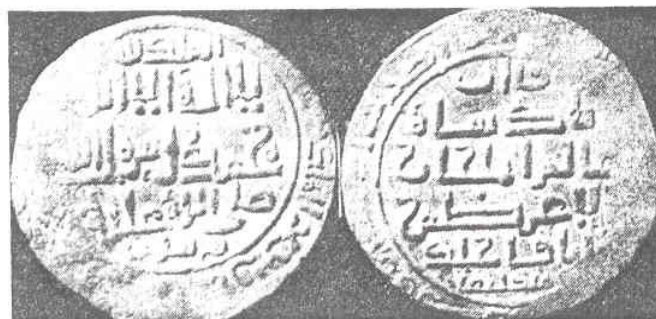
که پیرو آیین مسیح بود (جی. آ. بویل، ۱۳۶۶: ۵۱۴) اباقخان که تربیت یافته دو قوز خاتون مسیحی بود، با وجود اینکه مذهب بودایی داشت، به کیش مسیح تعلق خاطر داشت. وی جانب مسیحیان را نیز بسیار داشت. توجه وی به مسیحیان از خلال سکه‌های وی نمودار است. در سکه ذیل که در تبریز حک شده است: «عبارت بسم‌الاب و الابن و الروح القدس الف قایل» کاملاً نمودار



شکل ۱

پشت سکه، آیه ۲۵ از سوره آل‌عمران، آیه شریفه «قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء حک شده است» (همان: ۱۸۳).

در برخی سکه‌های اباقخان عباراتی اسلامی وجود دارد. در سکه ذیل به وزن ۶ گرم از جنس طلا روی سکه نام اباقخان و پشت آن «الملک لله، لاله الاالله، محمد رسول‌الله، صلی‌الله علیه و سلم» و در حاشیه



شکل ۲

حج و مناسک آنان که متروک مانده بود، برای اولین بار پس از ایجاد حکومت مغولی در ایران از نو جان گرفت که این اقدام توفیقی بزرگ برای همه مسلمانان تحت حاکمیت عصر مغول بود» (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۹۹). به خاطر سعی و تلاش خاندان جوینی مسلمانان نیز

با وجود اینکه اباقخان غیرمسلمان بود و با مسلمانان مصر و شام درگیری‌های نظامی داشت، اما مسلمانان داخل سرزمین‌های ایلخانی را می‌نواخت و بر اثر اقدامات خاندان جوینی عظاملک و خواجه شمس‌الدین محمد، مسلمانان فراغت و راحتی یافتند و حتی «مراسم

دین و مذهب و گاه حاکی از توجه ایلخان به دین خاصی است و ممکن است ناشی از رونق سیاست فرهنگی و اجتماعی خاصی باشد که برخی از محققان به آن اشاره کرده‌اند و آن روحیه تسامح و تعاملی باشد که مغولها خواسته یا ناخواسته مروج آن بودند؛ گرچه به خوبی نمی‌توان برخی از سکه‌ها را خواند و سال ضرب و محل ضرب آن را به دست آورد، اما با توجه به مطالب تاریخی می‌توان گرایشهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایلخان را از خلال سکه‌ها به دست آورد. در زمان اباقاخان سکه‌هایی با اشکال مختلف از شعایر اسلامی دیده می‌شود، در حالی که از همین ایلخان سکه‌هایی با تثلیث وجود دارد.

تحولات سیاسی و مذهبی از خلال سکه‌های ارغون (۶۸۳ - ۶۹۰ هجری):

ارغون دین اجدادی مغول را داشت و با مسلمانان به مدارا رفتار نمی‌کرد. این امر فرصت مناسبی به وزیر وی، سعدالدوله یهودی داد که نظر خود را در دشمنی با مسلمانان و طرد آنان از مقامات و مشاغل دیوانی و دولتی و سپردن کارها به دست یهودیان و مسیحیان به موقع اجرا بگذارد.

برای رسیدن به این هدف، طرح «نبوت چنگیزخان و رسیدن آن از طریق ارث به ایلخان عادل؛ یعنی ارغون را عنوان کرد، مبنی بر این که وی از جانب خداوند رسول است و چون قیام دین هر رسولی به جهاد و قلع مخالفین متعلق است، باید ایلخان امر فرماید تا هر کسی سر از قبول دیانت او بپسندد و در زمره ملت جدید در نیاید، سرش را از تن جدا کنند و چون ارغون از مسلمانان نفرت داشت، امر داد که مسلمانان را در کارها دخالت ندهند و به اردو راه ندهند. سعدالدوله با تصویب ارغون مصمم شد که

از احترام لازم برخوردار شدند و سکه با شعارهای اسلامی به رسم دوران پیشین ضرب گردید. وجود شعارهای اسلامی بر سکه‌های اباقاخان و اجازه فعالیت مجدد به مسلمانان، حاکی از آن است که اباقاخان چون درصدد بود به جنگ با دشمنان خود، مسلمانان مصر و شام بپردازد و از طرفی از جانب اردوی زرین مغول که مسلمان بودند، خطری حکومت وی را تهدید نکند، چاره‌ای نداشت که با مسلمانان قلمرو خود با مدارا رفتار کند و جانب آنان را نگه دارد. به این خاطر، برای همراه‌ساختن مردم ایران با اهداف خود به دین اسلام احترام گذاشت و سکه‌هایی با شعارهای اسلامی ضرب نمود.

از طرف دیگر، ضرب سکه‌ها با شعارهای ایرانی - اسلامی حاکی از نفوذ دیوانسالاری ایرانی در این دوران است. ایرانیان که درصدد بازسازی فرهنگ خود بودند، روش رفق و مدارا را پیش گرفتند، به همکاری با مغولها پرداختند و در راه احیای فرهنگ و تمدن خود تصمیم گرفتند به تدریج، از درون بر روح و اندیشه فاتحان تسلط یابند. توجه به ایرانیت نیز از خلال سکه‌های اباقاخان مشخص است. «از دوره اباقاخان سکه‌هایی به خط و زبان فارسی با تصویر شیر و خورشید موجود است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴۰).

گرایش دیگری که در سکه‌های اباقاخانی مشاهده می‌شود، توجه به خط و زبان فارسی و اصطلاحات مغولی و خط ایغوری است. بر روی سکه‌های اباقاخان چهار تا شش کلمه ایغوری نقش بسته است که البته نقر خطوط ایغوری ممکن است برای جلوگیری از تقلب در ضرب سکه بوده است.

سکه‌های دوره اباقاخان بسیار متنوع است. وجود شعارها و نشانه‌های، عربی، ایرانی، مسیحی و یهودی از این جهت مهم است که گاه نشان دهنده عدم توجه به

دست گردیدند. سعدالدوله که به قول خواند میر «سردفتر اهل ضلال» (خواند میر، ۱۳۳۳: ۱۹۸) بود شخص اول مملکت پس از ارغون گردید. در سکه‌های این دوره نفوذ هنرچینی - بودایی وجود دارد. شکل صلیب و نوشته الاب و ابن و روح‌القدس دیده می‌شود و نوشته‌های ایغوری پررنگ‌تر و عبارات فارسی کمتر است.

دوره دوم با قتل سعدالدوله در سلخ صفر ۶۹۰ هجری آغاز می‌گردد. با این امر، ستاره اقبال اقلیت‌های مسیحی و بودایی و یهودی رو به افول نهاد و ایرانیان رمقی تازه گرفتند و بار دیگر تکاپو در جهت احیای فرهنگ ایرانی آغاز شد و پسران خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالدین و اصیل‌الدین که هر دو از دانشمندان عصر خود بودند و در دربار ارغون به سر می‌بردند نیز در این حرکت نقش بسزایی یافتند» (رشید الدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۳۸: ۱۸۳).

گرچه مدت دوره دوم کوتاه است و هفت ماه بیشتر به طول نینجامید، گویا ارغون متوجه شد از قامان‌ها و سحر و جادوی آنها کاری ساخته نیست. به این خاطر، به مسلمانان و ایرانیان توجه نمود. بنابراین، در سکه‌هایی که احتمالاً مربوط به دوران آخر حکومت اوست، جمله «لااله الاالله، محمد رسول‌الله، صلی‌الله علیه و سلم» و در حاشیه «قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک» منقور است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۲) که البته این امر دلیل بر اسلام‌آوری وی نیست، چرا که وی سراسر عمر خود را در مخالفت با اسلام گذراند.

نوشته بسیار جالب بر سکه‌های ارغون، نقش «علی ولی‌الله» است، در حالی که بسیاری از محققان رواج شعائر شیعی را از دوره غازان‌خان می‌دانند. شاید این برداشت به آن خاطر است که از دوره غازان نام ائمه

خانه کعبه را به بتخانه مبدل سازد» (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۲۴۱)

دوره ارغون دوره تضعیف مسلمانان است که مرگ عظاملک جوینی و قتل شمس‌الدین صاحب دیوان را به دنبال داشت و بوداییان و یهودیان دست در دست هم به تضعیف مسلمانان پرداختند و مسیحیان نیز به تکاپو پرداختند، و چون ارغون بودایی متعصبی بود، بخشیان وی را احاطه کرده بودند.

ارغون بودایی بود و سراسر عمر خود را در مخالفت با اسلام گذرانید (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۲۹) با وجود این وی سنت گذشتگان خود را در مورد سکه به کار برد. او با اینکه مذهب دیگری داشت، نقش سکه‌های اسلامی را با اندکی تغییر حفظ کرد. سکه‌های دوره ارغون با توجه به فراز و نشیب‌هایی که حکومت وی داشت، دستخوش تغییراتی شده است؛ به طوری که سکه‌های ابتدای حکومت وی با پایان حکومت او متفاوت است. در سکه‌های دوره ارغون تفاوت‌های زیر به چشم می‌خورد:

۱- از دوران اولیه حکومت این خان سکه‌هایی موجود است با شکل صلیب و نوشته «الاب و ابن و روح‌القدس»؛

۲- سکه‌های این دوره فاقد خط ایغوری است و این اولین بار است که در سکه‌های مغولی، خط ایغوری از سکه حذف شده است؛

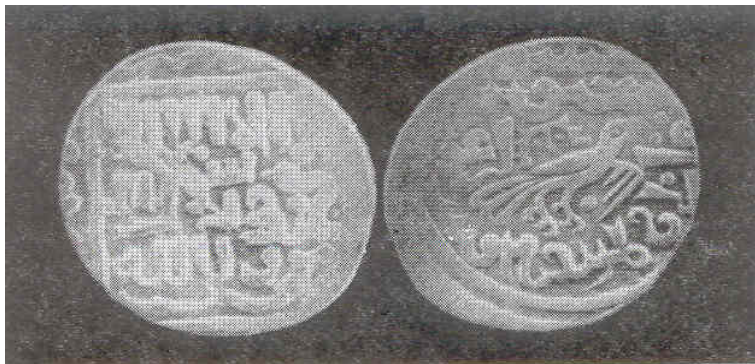
۳- سکه‌هایی از دوران ارغون باقی است با تصویر پرندای به شکل سیمرخ که نشان‌دهنده نفوذ هنرچینی بودایی است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۳۶).

با دقت در سکه‌های دوره ارغون، دو دوره کاملاً متفاوت را از نظر سیاسی و مذهبی می‌توان مشخص نمود: در دوره اول بوداییان چینی، یهودیان و مسیحیان و مغولان قدرت داشتند و مسلمانان و ایرانیان زیر

که در منابع تاریخی اشاره‌ای به این امر نشده است.
 ۲- با اینکه ارغون بر مسلمانان سخت‌گیری نمود، به برخی گروههای مذهبی، از جمله شیعیان که به سرعت رو به توسعه و گسترش بودند، توجه داشته است.
 سکه‌های مختلفی از ارغون با شعار شیعی: «علی ولی الله» باقی مانده است. به عنوان نمونه دو سکه معرفی می‌گردد:

دوازده‌گانه شیعه بر سکه‌ها نقش بسته است، ولی گویا در دوره ارغون نیز شیعیان فعال و دارای اهمیت بوده‌اند و نفوذ آنان تا به آن حد بوده است که توانسته‌اند نام امیرمومنان را بر سکه ایلخان ضرب نمایند؛ آن هم با عنوان ولی‌الله؛ یعنی کسی که از جانب خدا ولایت و تولیت دارد و این بحث جدیدی است که تاکنون در آن دقت نشده و حاکی از آن است که:

۱- شیعیان در دوره ارغون فعال بوده‌اند، در حالی



(ارغون) پشت سکه در متن لاله‌الاله، محمد رسول‌الله، علی ولی‌الله (همو، ۲۵۳۵: ۱۸۲).

سکه فوق از جنس نقره و با وزن ۳ گرم می‌باشد، روی سکه در متن به ایغوری (خاقانو اراجم به فارسی



بحران اقتصادی دوره گیخاتو (۶۹۰ - ۶۹۴ هجری):
 گیخاتو جانشین ارغون به مدت چهار سال از ۶۹۰ تا ۶۹۴ هجری حکومت کرد. دوره وی مصادف با بحران شدید اقتصادی بود که کشور را دچار تزلزل شدید اجتماعی نمود. مساله قابل توجه در دوره این

سکه فوق، نقره با وزن ۳/۵ گرم است. روی سکه متن به خط ایغوری، خاقانو، اراجم، ارغونون، دلد کگولوکسین به خط فارسی استرآباد، تصویر یک مرغ. متن پشت سکه: لاله‌الاله، محمد رسول‌الله، علی ولی‌الله، حاشیه: تاریخ و محل ضرب» (همانجا).

مردی شرابخوار و عیاش و فاسق بود و در مدت سلطنت کوتاه خود بر اثر تعرض به عرض و ناموس مردم همه را از خود رنجاند (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۲۵۱)، بحران اقتصادی، بی‌مبالاتی حکام مغول و ایلخان، از جمله عوامل مؤثر در تجدید نیروی مسلمانان است.

بررسی سکه‌های باقی مانده از دوره گیخاتو و مقایسه آن با دوران قبل نشان دهنده آن است که سکه‌های این دوره با کاهش وزن و عیار مواجه است. کاهش وزن و عیار سکه‌ها و تمهیدات ناروای مالی، وضع پولی دولت را چنان متزلزل کرد که گیخاتو مجبور شد فرمان انتشار اسکناسی را صادر نماید.

وزن متداول دینارهای طلا در مجموع ۴/۲۵ تا ۷ گرم بود. در هم نقره از وزن اصلی‌اش که ۲/۴۶ تا ۲/۵۹ گرم بود، در زمان ارغون به ۲/۴۱ و بالاخره در سال ۷۳۳ هجری قمری به ۱/۴ گرم رسید و نیم درهمی که می‌بایست ۱/۲۳ تا ۱/۳۰ گرم وزن داشته باشد، بیش از ۱/۱۸ گرم وزن نداشت. کاهش عیار سکه‌ها برای تجار بیشتر زیان‌آور بود؛ به طوری که این زمان گاه تا بیست درصد می‌رسید. کاهش وزن و عیار سکه‌ها، وضع پولی دولت را متزلزل کرد و گیخاتو مجبور شد فرمان انتشار اسکناس را صادر کند» (اشپولر، ۱۳۶۸: ۳۰۱).

می‌توان استنتاج نمود که کاهش وزن و عیار سکه به معنای وارد شدن ناخالصی در سکه‌های طلا و نقره است و این امر حاکی از مشکلات اقتصادی است که در دوره گیخاتو وجود داشته است و مشخص است که طلا و نقره در کشور کم شده است. طبق گفته و صاف: گیخاتو یرلیغی صادر کرد که شدیداً استفاده از پول نقد سکه‌ای را به هر صورت برای کالاهای تجاری منع می‌کرد. از اینها گذشته، این فرمان ساخت جامه‌های

ایلخان رواج اسکناسی به نام «چاو» است که وصف چهار عامل را در انتشار اسکناس مؤثر می‌داند:

۱- مرگ و میر عظیم احشام و گوسفندان به خاطر بیماری به نام «یوت»؛

۲- تهی‌شدن خزانه دولت در نتیجه تغییر احوال خانان و تفرقه مال بر عساکر؛

۳- «کرم ذاتی و سماجت جبلی صدرالدین و استرضاء کافه طوایف و اسعاف مآرب از زیادت ادارات و افاضت انعامات».

۴- بی‌مبالاتی ایلخان در مورد بخشش و پاشش و استحقار مقتنیات فانی که عبارت از آن ناطق و صامت است» (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۷۴)

براین مسایل می‌توان به لطمه شدیدی که کشور از مالیات‌هایی که سعدالدوله یهودی، وزیر ارغون بر مردم و مملک بست، اشاره کرد. گرچه ذخیره نقدی در دوره ارغون افزایش یافت، اما گیخاتو به خاطر حفظ حکومت خود آنها را بخشید و کشور دچار ورشکستگی اقتصادی شد. در نتیجه، مسکوکات و سکه‌های طلا و نقره کم و مخفی شد. بنابراین، چاو رایج گردید که آن نیز با استقبال مردم مواجه نگردید. از سکه‌های اندکی که از دوره گیخاتو به جای مانده است، نمی‌توان گرایش‌های سیاسی و مذهبی را به خوبی نشان داد، اما «عبارت لاله‌الاله و محمد رسول‌الله که بر روی اسکناس‌ها نوشته شد و عبارت شهادتین که پشت سکه‌های دوره گیخاتو نقر گردید، حکایت از تجدید نیروی مسلمانان دارد» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴۶).

چون حکام مغولی بیشتر بودایی بودند و در مذهب خود هم جهت‌گیری و تعصب نداشتند، اختلاف نژادی و مذهبی در میان آنها تا زمان گرایششان به دین اسلام نقش چندانی بازی نمی‌کرد (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۷۹). گیخاتو علاوه بر ضعف نفس و اسراف و تبذیر،

دوره غازانی خبر می‌دهد» (مرتضوی، ۱۳۶۴: ۱۷۹). ممکن است یکی از علت‌های توجه غازان‌خان به مذهب تشیع با اینکه خود مذهب حنفی داشت، به آن خاطر باشد که آنان نیروی مهمی در جامعه محسوب می‌شدند.

همان‌طور که اشاره کردیم، در سکه‌های غازانی نام دوازده امام نقش بسته است. در نحوه سکه‌های غازانی تغییراتی می‌بینیم که بستگی به سیر تحول حکومت و شکوفایی و نیرومندی آن دارد. در بعضی از سکه‌های دوران اولیه مانند اسبق، اسم و القاب سلطان به خط ایغوری و در بعضی دیگر به سه خط ایغوری، چینی و کوفی ضرب می‌شد و پشت سکه کلمات شهادتین نقر می‌گردید. در سکه‌های دوران بعدی، روی سکه «الملک لله، قرآن، غازان‌محمود» و پشت آن کلمات شهادتین نقر می‌شده است.

اولین بار است که کلمه قرآن بر سکه حک گردیده است. از این دوره فلوس نیز به همین ترتیب در دست است. آنچه به زبان مغولی و خط ایغوری بر سکه‌های این دوره نقش شد، حاکی از گرایش اسلامی است و آن کلمات «تنگرین» و «کوچوندور» است که اولی به معنی خدایا و دومی به معنای قدرت است که می‌توان آن را «به عون‌الله» ترجمه کرد. سکه‌های جالب توجه دیگری از این دوره کشف شده که اهمیت فراوان دارد و آن «درست‌های» طلا، هر یک به وزن صد مثقال است که نام ولایتی که سکه در آن ضرب زده شده، نام سلطان، آیات قرآن و اسامی دوازده امام بر آنها نقر است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴۵۶). درست طلا سکه‌هایی بود که بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و به طریق انعام و هدیه در جشن‌ها و اعیاد به شخصیت‌ها داده می‌شد. نقر اسامی دوازده امام برای اولین بار بر روی این سکه‌ها نمایانگر اهمیت و رونق تشیع در این دوره

زربفت و نیز ساختن ظروف از سنگ‌های قیمتی و من جمله اشیایی که مستلزم استفاده از طلا بود را ممنوع می‌گردانید» (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۱۲۴).

از آنجا که بحران اقتصادی دوران گیخاتو پیامدهای سیاسی و اجتماعی به دنبال داشت، چون مردم از قبول آن امتناع کردند و مشکلات بزرگی به وجود آمد، مهاجرت، مقاومت و شورش که تبدیل به انقلاب گردید، شدت گرفت و اسکناس چاومبارک، چاونامبارک نام گرفت، گیخاتو به مدت چهار سال از ۶۹۰ تا جمادی الاولی ۶۹۴ بیشتر حکومت نکرد و چون طلا و نقره نایاب بود، سکه کمتر ضرب گردید. به این خاطر، سکه باقی مانده از دوره این ایلخان اندک است.

تحولات سیاسی و مذهبی از خلال سکه‌های غازانی (۶۹۴ - ۷۰۳ هجری):

سلطان محمود غازان‌خان بزرگترین ایلخان مغول است. قبل از رسیدن به ایلخانی به تشویق امیر نوروز قبول اسلام نمود. اول شعبان سال ۶۹۴ ق / شانزدهم ژوئن ۱۲۹۵ م، روز بسیار مهمی در تاریخ دینی ایران عهد ایلخانان بود، زیرا در این روز شاهزاده غازان، چند ماهی پس از جلوس بر تخت ایلخانی، در فیروزکوه در حضور شیخ صدرالدین ابراهیم حموی به آیین اسلام درآمد و نام اسلامی محمود را بر خود نهاد (جی.آ. بویل، ۱۳۶۶: ۵۱۴) و در روزگار سلطنت خود تا جایی که در توان داشت اسلام و مسلمانان را تقویت کرد. اگرچه شیعه بودن غازان‌خان روشن و ثابت نیست، ولی در تمایل او به تشیع ارادت‌ورزی به خاندان رسول اکرم و احترام فوق‌العاده سادات تردیدی نیست» (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۱۷۹).

خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تاریخ مبارک غازانی از نقش اسامی ائمه دوازده‌گانه بر سکه‌های

است (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۵۶).

دقت نظر در سکه‌های دوره غازانی حاکی از وضعیت سیاسی، اقتصادی و مذهبی جدیدی است که بر ایران حاکم می‌گردد. غازان‌خان در پی اصلاحات سیاسی و اقتصادی که در کشور آغاز کرده بود، به وضع آشفته مسکوکات نیز توجه نمود. علت اصلی اصلاحات غازان را در این امر می‌توان دانست که پس از دوران نامساعد و پرهرج و مرج ارغون و گیخاتو، حکومت ایلخانی در سرآشویی سقوط و انحطاط قرار گرفته بود. بنابراین، غازان‌خان که حکمرانی عاقل و هوشمند بود، برای نجات امپراتوری ایلخانی اقداماتی انجام داد. اولین عمل وی آن بود که اسلام آورد و با این کار اطاعتی که به تدریج ایلخانان ایران نسبت به قآن خانبا لیغ داشتند، از میان رفت و به تدریج رابطه بین خانبا لیغ (پکن) و دربار ایلخانی قطع گردید. این امر از سکه‌های دوره غازانی نمایان است، چرا که «در روی سکه‌های ایران دیگر نام امپراتور چین و خط چینی دیده نمی‌شود. در این زمان نماینده چینی دیده نمی‌شود. در این زمان نماینده چینی مرکز امپراتوری در تبریز، برای همیشه به خانبا لیغ (پکن) بازگشت» (همان: ۴۶۵) به این گونه رشته باریکی که هنوز حکومت ایلخانی را به پکن وصل می‌کرد، برای همیشه گسسته شد.

«پیش از غازان در ممالک اوزان زر و باروگز و پیمانان و ... مختلف بود، تا غایت که در هر ولایتی نیز به حسب اختلاف نواحی اختلاف داشت و بدان واسطه در کار اسفار خلل بسیار واقع می‌گشت و تجار متاع کمتر می‌خریدند» (رشید الدین فضل الله همدانی، ۱۳۶۷: ۱۰۵۷). به دستور غازان، حق ضرب سکه بعضی از سرزمین‌ها لغو شد، و واحدهای تازه‌ای به وجود آمد» (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸: ۳۴۹).

در یرلیغ غازانی در باب عیار زر و نقره آمده است:

وزن زر و نقره می‌باید که در تمامت ممالک موازی و مساوی وزن تبریز باشد تا هر کس کم و بیش نکند و مظلومه خلق نبرند و چنانکه عیار زر و نقره در ملک متساوی شد، اوزان نیز متساوی باشد. بدان سبب استادان فخرالدین و بهاءالدین خراسانی را نصب فرمودیم تا سنگ‌های زر و نقره به شکل مثنی سازند... مقرر چنان است که به هر موضوع که وزن آن کمتر از وزن تبریز است، مناسب و موازی تبریز کنند (همان: ۳۵).

تا زمان غازان خان بسیاری سکه‌ها ذوب می‌گردید تا در پارچه‌های زربفت استفاده شود یا به گونه‌ای که خواجه رشیدالدین فضل‌الله عنوان می‌کند «طلا برای تزیین و صدور به هند به کار می‌رفت. ایلخانان تا این زمان برای جلوگیری از این مساله با بالا بردن نرخ طلا از طریق کاهش وزن سکه‌ها عمل می‌کردند.

در نتیجه جهد غازان خان سکه‌های مغشوش از میان رفت و سکه‌های طلا و نقره که از مدتی در ایران کمیاب شده بود و به واسطه حمل به هندوستان یا صرف در بافت پارچه‌های قیمتی از دست تجار و مردم بیرون رفته بود، فراوان گردید و در معاملات جریان پیدا کرد (همان).

با این عمل غازان، مسکوکات رایج از حیث نوع، خالص بودن و در مورد سکه‌های نقره از حیث یکنواخت بودن یکسان گردید، از پول‌های جعلی جلوگیری شد و حجم مسکوکات افزایش یافت و در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی آغاز شد و فعالیت‌های اقتصادی منظم گردید. اشپولراقول و صاف نقل می‌کند که: دینار جدیدی به نام دینار رایج ضرب شد که می‌بایست ۲/۱۴ گرم وزن داشته باشد. واحد سکه‌های طلا یک مثال بود. سکه‌های جدید می‌بایست از فلز گرانبها ضرب می‌شد و بر روی آن عباراتی به

یکی از انواع خط مغولی نقش می‌گردید. با این همه، سکه‌های قدیمی از بین نرفت و در کنار دینار و درهم جدید در جریان بود. رایج به معنای سودبرنده و سودکننده است، چون از آغاز فرمانروایی مغولها به چندتن از شاهان کشورهای دست‌نشانده حق ضرب سکه داده شده بود. به این خاطر، انواع پول مختلف در بازار دیده می‌شد. از آن گذشته، برخی از این کشورها عیار سکه‌ها را تقلیل داده بودند. غازان در این شرایط به ناچار حق ضرب سکه بعضی از کشورها را لغو کرد و سکه تازه‌ای رایج ساخت که در کشورهای همسایه نیز اعتبار داشت و دینار رایج نامیده می‌شد. با وجود اینکه غازان خان مسلمان گردید و پادشاهی ایرانی محسوب می‌گردید، بر روی سکه‌های وی «عباراتی از یک نوع خط مغولی که به فرمان قویلای متداول شده بود، نقش می‌گردید. علت این امر آن بود که این خط در زندگی روزانه نتوانسته بود جای خط ایغوری را بگیرد و به همین جهت نیز مردم ایران آن را نمی‌شناختند. قلب این نوع سکه‌ها بسیار دشوار بود» (اشپولر، ۱۳۶۸: ۳۰۳).

ملاحظه می‌نماییم نقر عبارت مغولی بر روی سکه غازانی برای جلوگیری از ضرب سکه‌های تقلبی بود و نشان دهنده گرایش خاص سیاسی نیست. این عبارت که همان دو کلمه تنگریین و کوچوندور است، کلمات جدیدی بود که باعث می‌گردید تمامی سکه‌های موجود از اعتبار بیفتد و به این وسیله غازان حق ضرب سکه زدن برخی از ایالات را ملغی می‌ساخت.

همان‌طور که اشاره شد، بر سکه‌های غازان‌خان شعارهای شیعی نقر شد. این امر حاکی از گسترش روزافزون نفوذ شیعه دوازده امامی است که از سال ۶۵۶ هجری؛ یعنی پس از سقوط بغداد آغاز شده بود و گسترش فعالیت‌های آنان به جایی رسیده بود که غازان

حنفی مذهب را وادار ساخت نام دوازده امام را بر سکه‌های خود نقر نماید. در ضمن، بروز این امر نشان دهنده رواج تشیع در آذربایجان و تبریز است؛ جایی که در آینده‌ای نه چندان دور اولین دولت شیعه مذهب ملی (صفویان) از آنجا ظهور نمود. جالب توجه آن است که غازان برای امامان شیعه احترام بسیاری قائل بود. او به هر صورت در راستای اهداف سیاسی و مذهبی خویش می‌بایست جانب شیعیان را ننگه می‌داشت و این امر از آنجا نمایان است که وی دستور داد نام امامان شیعه بر «درست‌های طلا» که نوعی سکه با ارزش و وزن بسیار زیاد صدمتقالی بود نقر گردد. این سکه‌ها بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و به طریق انعام و هدیه در جشنها و اعیاد به شخصیت‌ها داده می‌شد. بر روی درست‌های طلا نام سلطان، آیات قرآن و اسامی دوازده امام نقر شده که حک اسامی دوازده امام برای اولین بار بر روی سکه‌ها نمایانگر اهمیت و رونق تشیع در این دوره است» (اشپولر، ۱۳۶۸: ۴۶۳). برخی حتی گرایش وی به تشیع را قطعی می‌دانند «غازان در گرایش قطعی خود به مذهب تشیع به زیارت اماکن مقدس شیعه در بین‌النهرین می‌رفت و احتمالاً حتی سکه‌هایی که می‌زد دارای نقوش نوع شیعیان بود (جی.آ. بویل، ۱۳۶۶: ۵۱۵).

دوران سلطنت غازان خان بسیار کوتاه بود. وی از سال ۶۹۴ تا ۷۰۳ (۱۲۹۶-۱۳۳۴م) به مدت نزدیک هفت سال حکومت نمود، اما وی در طول زندگی کوتاه خود، کارهای سازنده بسیاری انجام داد و بیش از هر سلطان ایلخانی آثار بر جای گذاشت و از نظر سیاسی و مذهبی تحول ایجاد نمود.

سکه‌های سلطان محمد اولجایتو و گرایشهای سیاسی - مذهبی (۷۰۳-۷۱۶ هجری):

سلطان محمد خدابنده از سال ۷۰۳ تا ۷۱۶ هجری به

علی (ع) نخستین امام شیعیان در وسط سکه پس از عبارت لا اله الا الله محمد رسول الله آمده و در ابتدای حکومت اولجایتو ضرب شده است.

قبلاً اشاره شد که اولین سکه‌ها با پیام سکه‌ای شیعی در دوره ارغون ضرب شده است و رواج آن بیشتر به خاطر جلب رضایت شیعیان با توجه به قدرت فزاینده آنان بوده است در حالی که اولین سکه‌ها به صورت رسمی در دوره اولجایتو ضرب گردیده است.

اولجایتو پس از زیارت نجف در زمستان سال ۷۰۹ هـ. / ۱۳۱۰ م. تصمیم به قبول مذهب تشیع گرفت» (جی.آ. بویل، ۱۳۶۶: ۳۶۹). دو سکه با گرایش‌های شیعی از سال‌های ۷۱۰ و ۷۱۴ هجری برجای مانده که هر دو در شیراز ضرب شده است. یکی از آنها سکه ذیل است:



حاشیه داخلی: بسم الله الکریم
حاشیه خارجی: اللهم صل علی محمد و علی
والحسن والحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و
علی و محمد و علی و الحسن محمد الحجه»
(بیانی، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

مدت سیزده سال حکومت نمود. نظری بر چگونگی حکومت وی حاکی از آن است که او از نظر سیاست داخلی و خارجی اهداف برادر خود غازان خان را دنبال می‌کرد و درصدد بود طرح‌های نیمه تمام او را دنبال کند. بنابراین، وی به وجود آورنده بدعت و شیوه‌ای جدید نیست. او از همان ابتدای روی کارآمدن و پیش از آنکه به‌طور رسمی مذهب تشیع را مذهب رسمی اعلام نماید سکه‌ای رواج داد که شعار «علی ولی الله» بر آن حک شده است «او دستور داد تا سکه‌ای ضرب کنند که روی آن در سه سطر موازی کلمات: لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله نقش بسته شود. اسامی دوازده امام نیز به ترتیب پیرامون دایره در پنج ضلع سکه نقر شده است» (بیانی، ۱۳۷۹: ۴۸۱). این سکه از نخستین سکه‌های ایلخانی است که نام حضرت

در روی سکه دیناری اول به وزن ۸/۱ گرم که در سال ۷۱۰ ضرب شده، این عبارت وجود دارد: ضرب فی ایام دولته المولی السلطان الاعظم مالک الرقاب الامم اولجایتو سلطان غیاث الدین خدابنده خلد الله ملکه در حاشیه سکه: لله الامر من قبل، من بعد، ضرب شیراز، سنه عشره سبعمائه (۷۱۰ هـ. ق).
پشت سکه: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله



داخل کنند» (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۳۱۸). به نظر می‌رسد مذاهب مختلف مهمترین تحول در امر نقر شعارهای سیاسی، مذهبی در دوره اولجایتو به وقوع پیوسته است، زیرا تا این زمان شعارهای عمومیت داشت، از این دوره شعارها و علایم مسیحی و یهودی از بین رفت و چون اولجایتو مذهب تشیع را رسمیت داد و شعار شیعی را در سکه به طور رسمی وارد ساخت، اهل سنت را به واکنش وادار ساخت و آنان نیز خواستار توجه به مذهب سنت شدند. بنابراین، نام خلفای چهارگانه نیز از این زمان بر روی سکه ذکر شد که قبل از آن سابقه نداشت. تا این زمان بیشتر شعارهای اسلامی آیات قرآن بود. بنابراین، می‌توان گفت: تأکید شیعیان بر نقش عبارات شیعی بر روی سکه باعث حساسیت اهل سنت و شروع شعارهای سنی گردید.

سکه‌های دوره ابوسعید بهادرخان (۷۱۶-۷۳۶ هجری)

ابوسعید خان، آخرین ایلخان بزرگ این سلسله است، زیرا، بعد از مرگ ناگهانی او سلسله ایلخانان به سرعت رو به انحطاط رفت و مقام ایلخانی در میان عده‌ای از شاهزادگان بی‌لیاقت خاندان چنگیزی و امرای متخاصم موضوع نزاع و کشمکش قرار گرفت. سکه‌های ابوسعید از نظر حوادث سیاسی و مذهبی نشان دهنده

سکه فوق با شعار مذهبی شیعی در سال ۷۱۴ هجری به وزن ۸/۶۴ در شیراز ضرب گردید. روی سکه لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و پشت سکه ضرب فی الایام السلطان المعظم مالک الرقاب الامم، الجایتو سلطان محمد خدابنده، خلدالله ملکه، غیاث الدنیا والدین» (همان: ۱۷۹).

هنگامی که به سکه‌های دوران سلطنت اولجایتو نظر می‌افکنیم، تحولات مذهبی - سیاسی این عهد را به خوبی در می‌یابیم. تنها کلمه مغولی که به خط ایغوری از دوره اولجایتو بر روی بعضی از سکه‌ها باقی است، نام «اولجایتو سلطان» است. این تحولات حاکی از دورشدن کامل حکومت ایلخانی از مرکز امپراتوری مغول و گرایش تام به سمت فرهنگ ایرانی است. «نام خلفای راشدین «ابوبکر، عمر، عثمان و علی» نیز از دوران اولجایتو بر روی سکه‌ها نقر شده است. به نظر می‌رسد پس از حک نام دوازده امام شیعه بر روی سکه‌ها و «اندکی بعد از قبول مذهب تشیع و صدور اوامر در اشاعه آن به تشویق علمای امامیه، اولجایتو که چندان متعصب نبود، دید که مردم غالب بلاد ایران، مخصوصاً اهل قزوین و شیراز و اصفهان زیر بار احکام او نمی‌روند و جماعتی از امرای او نیز در حفظ مذهب اهل سنت اصرار و تعصب دارند، به همین علت، از حرارت اولی خود در طرفداری از تشیع کاست و در اواخر عمر امر داد که نام خلفا را در سکه و خطبه

گرایش است.

سکه‌های این دوره بدون هیچ‌گونه شکل و شمایل هندسی و غیرهندسی، تنها دارای نام صاحب سکه و عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله» و نام خلفای راشدین است. بخش جالبی که در خصوص سکه‌های جانشینان ابوسعید وجود دارد، آن است که برخی از آنها مانند «انوشیروان پادشاه خوانده ملک اشرف چوپان» جز نامی بر سکه‌ها اثری بر جای نمانده و از عاقبت او نیز خبری در دست نیست» (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۷: ۲۷).



جالبترین سکه طغاتی‌مورخان ایلخانی، سکه‌ای است که به سال ۷۴۵ هجری در شهر آمل (مازندران) به نام طغاتی‌مور ضرب شده و می‌توان گفت اولین سکه‌ای است که اثر عقاید مذهبی مردم شهر (ضرابخانه مربوطه) بر آن منعکس است، نه صاحب سکه (طغاتی‌مورخان) (طباطبایی، ۲۵۳۵: ۱۴) و این امر وجود داشته است، «چون حکام و سلاطین محلی هر کدام یک خان‌زاده یا شاهزاده مغولی را حمایت و به نام او سلطنت می‌نمودند، از نقر نام خود بر سکه حذر می‌کردند. در نتیجه سکه به نام خان مغول زده می‌شود» (همو، سال نهم: ۱)

دلیل ضعیف‌تر آنکه چون گرایش‌های شیعیانه در مازندران و خراسان با توجه به تشکیل دولت سربرداری

گرایش خاصی نیست. «در زمان ابوسعید کلمات ایغوری از روی سکه‌ها حذف شد و به طور استثنا در سکه‌هایی محدود تنها یک کلمه به خط ایغوری و زبان مغولی باقی ماند. گرایش‌های شیعی نیز در سکه‌های ابوسعید دیده نمی‌شود. در حاشیه بیشتر سکه‌ها نام ابوبکر، عمر، عثمان و علی نقر شده است. نقر نام خلفای راشدین از زمان اولجایتو به بعد روی سکه‌ها متداول گردید» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۳۷)، و در دوران جانشینان ابوسعید نیز تداوم یافت. سکه‌های زمان انوشیروان، ساتی‌بیک و سلیمان خان دارای این‌چنین

از بازماندگان ایلخانان پس از دوره ابوسعید بهادر خان در «سکه‌های طغاتی‌مورخان سیزده همین ایلخان ایرانی دوباره شعارهای شیعی وارد می‌گردد. با اینکه طغاتی‌مورخان سنی مذهب بود، در مازندران حکومت می‌کرد و با ملوک کورت مستقر در هرات علیه سربداران شیعه مذهب خراسان وارد نبرد گردیده نقر شعار شیعی مذهب بر سکه وی سوال برانگیز است. نقر شعار شیعی بر روی سکه وی به دو خاطر ممکن است وجود داشته باشد: یکی آنکه این سکه توسط طغاتی‌مور رواج نیافته، بلکه توسط امرای خراسان و اکابر و اشراف آن خطبه به نام وی ضرب شده است و این امر می‌تواند صحیح باشد، چرا که در یک منبع سکه‌شناسی در بحث معرفی سکه‌ها با شعارهای شیعی آمده است:

زیاد بود، طغایتمورخان به خاطر راضی نگه داشتن اتباع خود سکه شیعی ضرب نمود.

نتیجه

سکه‌های دوره ایلخانی به عنوان یکی از شاخص‌های شناسایی گرایشهای سیاسی، مذهبی و وضعیت اقتصادی این دوره جایگاه ویژه‌ای در مطالعه تاریخ ایلخانان دارد. هر یک از عوامل تشکیل دهنده سکه مانند نوع فلز، نقش و نگارها، علایم روی سکه، محل ضرب، نوع خط و تاریخ ضرب به لحاظ علمی در شناخت تاریخ و فرهنگ و اقتصاد دوره ایلخانی مؤثر است. از خلال سکه‌های این زمان، سه دوره متمایز به چشم می‌خورد:

دوره اول، دوره‌ای که مغولان فرهنگ و تمدن غنی نداشتند و به ناچار از شعایر اسلامی و آداب و عقاید اسلامی تبعیت نمودند. بنابراین، در سکه‌های آنها شعایر اسلامی و آیات قرآنی دیده می‌شود.

دوره دوم، زمانی است که حکومت ایلخانان تثبیت شد. آنها از فرهنگ ایرانی و اسلامی مسایلی را کسب نمودند و سعی کردند بدان وسیله فرهنگ خود را غالب نمایند. بنابراین، برخی با فرهنگ مغولی خود و برخی با اسلام آوردن درصدد توسعه فرهنگ مغولی برآمدند و به ستیز با فرهنگ ایرانی برخاستند، از مدنیت مسیحی و یهودی یاری جستند و سکه‌هایی با شعارهای مغولی، مسیحی، یهودی رواج دادند.

دوره سوم، دوره‌ای است که فرهنگ ایرانی غالب گردید. کلمات فارسی و شعایر شیعی در سکه‌ها ضرب شد که از این دوره سکه‌های متنوعی باقی مانده است.

منابع

۱- اشپولر، برتولد. (۱۳۶۸). تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و

فرهنگی، چاپ سوم.

۲- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۶۴). تاریخ مغول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

۳- بیانی، سوسن. (۱۳۷۹). «تبلور عهد مغول در آیین فلز»، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن، ج اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۴- بیانی، شیرین. (۱۳۷۱). دین و دولت در ایران عهد مغول (حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ) ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۵- _____ . (۱۳۷۹). مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران: انتشارات سمت.

۶- پطروشفسکی، الف، پ. (۱۳۶۶). تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: انتشارات اطلاعات.

۷- جی، آ، بویل. (۱۳۶۶). تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایخانان)، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران.

۸- خواجه رشید الدین فضل الله همدانی. (۱۹۴۰/۱۳۵۸). تاریخ مبارک غازانی، به سعی کارل یان، چاپ انگلستان.

۹- _____ . (۱۳۳۸). جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، ج ۳، تهران: انتشارات اقبال.

۱۰- _____ . (۱۳۶۷). جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، چاپ سوم.

۱۱- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۳۳). تاریخ

حبیب‌السیر، چهار جلد، ج ۳، تهران: کتابخانه خيام.

۱۲- سرافراز، علی اکبر و آورزمانی، فریدون. (۱۳۷۹).

وصاف (تاریخ تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار)،

عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: انتشارات ابن سینا.

سکه‌های ایران از آغاز تا دوره زندیه تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

۱۳- طباطبایی، سیدجمال الدین. (۱۳۵۱). «رسم الخط ایغوری و سیری در سکه‌شناسی»، نشریه شماره ۶، موزه آذربایجان.

۱۴- _____ (سال نهم). سکه‌هایی متنوع از اباق‌آن، بررسی‌های تاریخی شماره ۶.

۱۵- طباطبایی، سیدجمال الدین و منصوره وثیق. (۱۳۷۳). سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: انتشارات مهدی آزادی.

۱۶- طباطبایی، سیدجمال الدین. (۲۵۳۵). سکه‌های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، تبریز: نشریه شماره ۷ موزه آذربایجان.

۱۷- گروسه، رنه. (۱۳۶۸). امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۱۸- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۶۴). مسایل عصر ایلخانان، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

۱۹- ملک‌زاده بیانی، ملکه. (۱۳۳۹). «نقش سکه در تاریخ»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، سال هفتم، شماره سوم.

۲۰- مینوی، مجتبی. (۱۳۶۹). تاریخ و فرهنگ، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.

۲۱- نبئی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم (از سقوط ایلخانان تا تشکیل تیموریان)، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

۲۲- وصاف الحضرة، عزالدین فضل‌الله. (۱۳۳۸). تاریخ

